

بازی خرما یله

یا

خواستگاری از شرف نسا

بازی خرما یله یا شرف نسا که در حقیقت نمایش کوچکی از خواستگاری و عروسی با اصطلاح دختران کوچک میباشد از بازیهای بسیار قدیم کردیست که تاسی چهل سال قبل در نقاط عشایر نشین و دیه های بین سنندج و کرمانشاه بیش از سایر جاهها متداول بوده و هنوز هم تک تک مرسوم میباشد و خاص دختران کوچک است .

این بازی دارای اشعاری هفت هجائی و متعلق بزمانی قدیم است که اکنون در حال فراموشی و زوال میباشد و نمونه خوبی از اشعار عامیانه هفت هجائی زبان کردی بشمار میرود .

خرمایله بمعنی موخرمایی و سرخ و سفید بود را اینجا کنایه از عروس میباشد که شرف نسا نام دارد و چون بازی و اشعار آن با این کلمه آغاز میشود ، این بازی به « خرمایله » اشتباه یافته است و « شرف نسا » نیز بدان گفته اند .



ابتداءً دو دختر که از طرف خانواده داماد بدنبال عروس آمده‌اند دست بگردن یکدیگر انداخته و بادست دیگر بسینه خود میکوبند و با قیافه خندان آمیخته باشتیاق و التماس، دو حال آلمن بطرف دختر کوچکی که درمیان جمعی از کودکان بطرز مربع بر روی زمین مؤدب و سر بیابین نشسته است ووی همان عروس است که شرف نسا نام دارد، با آهنگ مخصوصی که در اینجا عیناً نموده شده است چنین میخوانند:



KHOR MO KHOR MO KHOR MÂÛ LA

خرم و خرم^۱ و خرما یله^۲

خرما، خرما، خرما،

تتکه^۳ مل-م بریایه^۴

کردن بند گردنم بریده شده است

سرمه^۵ چوم سریایه^۶

سرمه چشمم سرخورده است

سلام سلام شازاده

سلام سلام شاهزاده

دختران کوچک دیگر که در نزدیک شرف نسا نشسته و چنین مینمایند که از خانواده عروس میباشند در پاسخ گویند:

علیک سلام بگزاده

دو دختر خواستگار گویند: طشت طلا هاوردیم، شرف نسا به بوم یعنی طشت طلا آوردیم شرف نسا را ببریم^۶
آنکاه چشمان شرف نسا را با دستمال میبندند و در حالیکه همانطور مربع بر زمین

۱ - خرم و خرم تکرار قسمت اول کلمه خرما یله برای تکمیل هجاهاست و در حقیقت تمام مصراع اول بمنزله کلیدنت و شماره میزان و تعیین هجاهای شعر است که باید مصراع های دیگر را با همین آهنگ در دو میزان و هفت هجا بر حسب زیر ویم یا بالا و پایین بود صدا در مصراع اول، خواند و تکرار کرد.

۲ - khorm - o khorm - o khormâyla

۳ - تتکه: رشته‌ای از مهرها و منجوق‌های کم قیمت که بعنوان گردن بند بگردن می‌آویزند.

۴ - tat - ka - y mel - em bryâya

۵ - sorma - y cow - em sorjâya

۶ - طشت طلا پیشکشی است که از طرف داماد برای عروس فرستاده شده است سابقاً در موقع گفتن جمله طشت ... طشتی روی سر می نهاده‌اند و گرد عروس میکشته‌اند.



نشسته و انگشتان بزرگ پا را در دوش گرفته است زیر بازویش را میگیرند و او را از زمین بلند میکنند و بوی میگویند: بن شوال دالکت نوری یعنی بندشلواری مادرت را نبری مقصود اینست که انگشتان پا را زها نکنی و او را بجائیکه قبلا با سنگریزه یا تر کردن نشانه کرده و یکی را بهشت و دومی را دوزخ و سومی را برزخ نام نهاده اند میبرند و از وی میپرسند کدامیک از این علامتها را میخواهی اگر عروس که چشمانش با دستمالی محکم بسته شده است، انگشت خود را بروی علامتی که قبلا دوزخ نام نهاده شده است، نهاد با دو دست بر سر و صورت او پنجه زده و گویند « اوم بسرت دوزخی، اوم بسرت دوزخی » و اگر انگشت خرد را بروی علامتی که قبلا برزخ نام نهاده شده است، نهاد بر سر و صورت او پنجه زده و گویند « خر که سرت برزخی، خر که سرت برزخی » یعنی گل بسرت برزخی گل بسرت برزخی و اگر انگشت خود را بر روی علامتی که قبلا بهشت نام نهاده شده است، نهاد با خنده و شادمانی گویند « گل بسرت بهشتی، گل بسرت بهشتی » و در حقیقت این عمل کنایه از « سفید بخت » یا « سیاه بخت » شدن عروس در خانه شوهر است و بستن چشم عروس و او را کور کورانه بجای دیگری بردن، اشاره بدان است که عروس در خانه شوهر باید کاملاً فرمانبردار باشد و او امر خویشان داماد را کور کورانه اطاعت کند.

سابقاً در شهر کرمانشاه کودکان بین مصراع سوم و چهارم اشعار فوق، مصراعهای

ذیل را که بزبان فارسی عامیانه کرمانشاه آمیخته بکردی وبهمان آهنگ و دارای هفت
هجاء بوده است میافزوده اند و در دهات گاهی بتقلید از شهر این مصراعها را کودکان
میخوانند اند :

چیمه مال برارم

رفتم بخانه برادرم

چنگی روغن درارم

یک چنگ روغن درآورم

زنه خیزه برارم

همان زنک هیز برادرم

گردش بزهر مارم

آنها بر من زهر مار کرد

زنکه بتخته بیفتی

ای زنک بر روی تخته (تابوت) بیفتی

بعوض نقره بیفتی

بعوض نقره بیفتی

نقره نمکدانته

(همان) نقره که نمکدانت (از آن) است

طیلا سره قلیانته

(و همچنین) سره قلیانت از طلاست

ای ۱ پر قالی اناره

این سوی قالی انارست

او ۲ پر قالی اناره

آن سوی قالی انارست

خالو باوه خان سواره

خالو باباخان سوارست

رفته عروس بیاره

رفته عروس بیارد

عروس تمان نداره

عروس تنبان ندارد

حلقه برنجی داره

حلقه برنجی دارد

... نارنجی داره

... نارنجی دارد

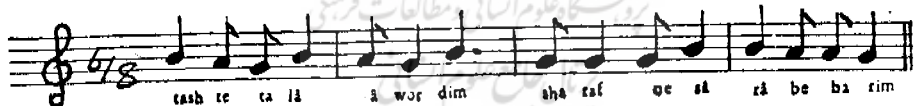
۱ - i : این

۲ - u : آن



در شهر کرمانشاه این بازی فعلا در میان دختران مخصوصاً در مدارس بطرز جدیدتر و ساده تری بطریق ذیل تحول یافته و بزبان فارسی درآمده است و نامش همان بازی شرف نسا است .

ابتداء دودسته دختر زیر بازوان هم را گرفته بسوی یکدیگر پیش میآیند و در حال پیش آمدن و بهم نزدیک شدن دسته اول که دسته خواستگارانند بدسته دوم گویند:



شرف نسا را بپریم

طشت طلا آوردیم

دسته مقابل در پاسخ بهمان آهنگ گویند :

شرف نسا را نمیدیم ۲

طشت طلا را نمیخوایم ۱

آنگاه دودسته همانطور که افراد هر دسته زیر بازوان یکدیگر را گرفته اند عقب رفته دوباره پیش میآیند و دسته اول دسته دوم را مخاطب میسازند و میگویند :

آهدیم ، آهدیم

از برای جنگ

۱ - نمیخوایم : نمیخواهیم .

۲ - نمیدیم : نمیدهیم .

تا برای جنگ



دسته دوم پاسخی نمیدهند. آنگاه دودسته بعقب میروند و دوباره پیش میآیند و در حال پیش آمدن دسته خواستگاران با همان آهنگ طشت طلا گویند:

تنگ طلا آوردیم شرف نسا را ببریم

دسته مقابل که همان دسته خانواده عروس میباشد در پاسخ بهمان آهنگ گویند:

تنگ طلا را نمیخوایم شرف نسا را نمیدیم

مجدداً دو دسته بعقب رفته و دوباره پیش میآیند و در حال پیش آمدن دسته خواستگاران گویند:



شرف نسا را میخواهیم

از برای جنگ

تا برای جنگ

دسته مقابل پاسخی نمیدهند. سپس دودسته بعقب میروند و باز پیش میآیند و در حال پیش آمدن دسته خواستگاران با همان آهنگ طشت طلا گویند:

کالسه طلا آوردیم شرف نسا را ببریم

اگر کالسه طلا که بهای آن از طشت طلا و تنگ طلا بیشتر است، باز هم مورد قبول خانواده عروس واقع نشد و پاسخی بدسته اول داده نشد در صورتیکه دسته اول نخواهند چیز گرانبهتری پیشنهاد کنند در مقابل دسته دوم میایستند و یکی از دختران از دسته خواستگاران پیش آمده و دست یکی از دختران دسته مقابل را بطرف دسته خود میکشد هر کدام که نیروشان بیشتر بود دیگری را بدسته خود میکشد و این عمل را آنقدر تکرار میکنند تا یکی از دسته ها تمام افرادش جزو دسته دیگر شود. آنگاه بازی به پایان میرسد.



بطوریکه در مدرسه آرامنه تهران مشاهده کرده ام، این بازی تقریباً بطریق اخیر بزبان ارمنی و با اختصار در میان دختران کوچک ارمنی نیز متداول است و آهنگ آن چنین است:

